

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه مریم (جله اول)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۹۳/۱۱/۱

سوره مبارکه مریم یکی از سوره‌هایی است که با حروف مقطعه آغاز می‌شود و این مدل حروف مقطعه هم خاص این سوره است. در روایات آمده این حروف مقطعه مربوط به وقایع کربلاست لذا از این جهت این سوره اهمیتی خاصی در بین اهل ذکر دارد.

آیات سوره با بحث حضرت زکریا(ع) آغاز می‌شود.

ایشان فرزندان نمی‌شدند و برای آن دعا کردند. و این دعا را نیز به نحو تفصیلی بیان کردند. اینکه من استخوان‌هایم سست شده و شعله پیری تمام سر من را در بر گرفته است. (که البته این تعبیر در نوع خود بدیع است) اما در عین حال اظهار ناامیدی هم نمی‌کنم و می‌گویم من هیچ وقت از استجابت دعای تو محروم نبوده‌ام.

از خدا فرزندی طلب می‌کنند که بتواند از آل یعقوب ارث ببرد و مورد رضایت خدا واقع شود. خداوند هم حضرت یحیی(ع) را به ایشان اعطا می‌کند و نام او را یحیی می‌گذارد که تا بحال کسی به این نام نامگذاری نشده بوده است. اینکه کسی به این اسم نبوده یعنی کسی با این خصوصیات تا بحال نبوده است ازین رو حضرت یحیی(ع) یک ویژگی‌های خاصی نسبت به دیگر انبیاء داشتند و این یعنی اینکه اتفاقات جدیدی بواسطه این ولادت در عالم رخ می‌دهد. ممکن است دعای حضرا زکریا به اندازه یک عمر استمرار داشته اما در نهایت فرزندی نصیب او شده که بسیار ویژه بوده است.

آیه ۸ خیلی جالب است. باید این آیه را با تامل خواند. ایشان می‌فرمایند: «قَالَ رَبِّ اَنْیَ یَکُونُ لِیْ غُلَامًا وَ کَانَتِ اِمْرَاَتِیْ عَاقِرًا وَ قَدْ بَلَغْتُ مِنْ الْکِبَرِ عِتِیًّا». "اَنی" به معنای آن است که می‌پرسند الان باید چه بکنم. نه آنکه در این اتفاق تعجب کرده باشد و یا مثلاً شکی در دل ایشان بوده باشد.

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُنْ شَيْئاً (۹) خداوند نیز می فرماید این اتفاق قبلاً هم افتاده است و چیز جدیدی نیست چرا که تو خودت هم همین گونه بوجود آمدی. زیرا تنها اراده خداست که سبب می شود کسی موجود شود و به دنیا بیاید.

این آیات نشان می دهد که این اسباب صوری و تصنعی است و آنچه هرچیزی را موجود می کند تنها اراده الهی است. "قال كذلك" به این معنا است که در پاسخ به حرف های حضرت زکریا(ع) خداوند آنها را تایید کرده است که بله درست است که تو پیری و همسرت نازا و درست در همین شرایط ما به تو فرزندی را عطا خواهیم کرد. قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا (۱۰) و ایشان از خدا نشانه ای طلب می کنند. که طبق روایات می گویند ایشان قدرت تکلم به مدت سه روز از ایشان گرفته شد.

يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا (۱۲) وَ حَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَ زَكَاةً وَ كَانَ تَقِيًّا (۱۳)

در ادامه آیات دیگر اشاره ای به نحو تولد حضرت یحیی(ع) نمی شود بلکه دوربین بر روی خود یحیی(ع) متمرکز می شود. این آیات نشان می دهد که می شود نبی از کودکی نبی باشد. یعنی نبوت یک اعطایی است که وابسته به سن نیست.

این یکی از موضوعات مهم سوره است که بحث نبوت حضرت یحیی در طفولیت ایشان مطرح می شود. پس خصوصیت اول ایشان این است که در حالیکه هنوز طفل هستند حکم دریافت می کنند.

دوم آنکه محبت و عطف خاصی از جانب خدا به او اعطا شده است که این محبت از او به مردم جاری می شود (محبت و عطف ویژه ای به مردم داشتند). حنان شفقت ویژه انسان است که حداقل در سن ۱۸ سالگی در انسان شکوفا می شود. البته این نوع از شفقت در بسیاری از انسان ها اصلاً شکوفا نمی شود. اما او این خصوصیات را از ابتدا داشته و علت آن هم خالصا اراده خداوند بوده است. برای همین وقتی که خداوند به او می گوید ما به تو حنان داده ایم یعنی این حنان بودن با بقیه مردم که مثل آن را اکتسابی بدست می آورند و یا ارثی.. فرق می کند. این صفت حنان در وجود ایشان کاملاً خالص است. سوم زکاة که به معنای آن است که فرد بخشنده است. یعنی میل به هدایت و دست گیری از دیگران را به جهت مالی و معنوی دارد. و چهارم تقیاً که یعنی ایشان بسیار باتقوی بوده اند.

وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا (۱۴) یعنی والدینش نیکی می کند و اهل جبر و زورگویی هم نیست.

این صفات که ذکر شده صفاتی هستند که یحیی(ع) را یحیی(ع) کرده‌اند. و در آیه ۱۵ برآیند آن را اینگونه ذکر می‌کنند که «وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا» یعنی او در هر حالتی سلام و در سلم است. سلام یعنی کسی از هر گونه آفت، آسیب، شر، بدی، تعارض و جمیع امراض بیرونی و درونی مصون باشد. یعنی در او هیچ گونه آلودگی وجود نداشته باشد.

این خطابات خداوند به حضرت یحیی(ع) در نوع نوع خود بسیار ویژه است و مانند آن در مورد انبیاء دیگر در قرآن نیامده است.

### حضرت مریم سلام الله علیها

داستان ایشان واقعا جز داستان‌های عجیب عالم است. حتی تصورش هم برای ما اعجاب اور است. تصور کنید یک خانم در سطح عصمت و طهارت مطلق با رسولی از جانب خدا مواجه می‌شود که می‌خواهد به او فرزندی عطا کند.

فهم این دست از آیات با تدبر و تفکر نیست بلکه باید به فرد چشاندن شود. جنبه حدافلی این آیات آن است که بر سر آن جلد نکنیم و آن را بپذیریم. اما جنبه حداکثری این است که ما آن واقعه را تصور کنیم و ببینیم که کسی مانند حضرت مریم(س) می‌گوید خداوند به من درحالیکه مجرد هستم فرزندی داده است. در آن وقت شما واکنشتان چگونه خواهد بود؟! ایا ما باورمان می‌شود؟!.. آیا نمی‌گوییم که این حرف‌های او از روی توهم است و یا..

اما حقیقت آن است که خدا به او غلامی پاک و زکی هدیه داده است.

خدا می‌خواهد در این سوره دیرباوری انسان‌ها را بشکند.

حضرت زکریا(ع) وقتی حضرت مریم(س) را دیدند از خدا فرزندی خواستند. یعنی مشاهده بانویی که بر او رزق آسمانی نازل می‌شد دعای حضرت زکریا(س) را شکوفا کرد. ازین جهت میتوان گفت حضرت یحیی(ع) چهره مردانه حضرت مریم(س) اند.

یکی از کارکرد این آیه(۲۱) این است که هر کس که در هر موضوعی کارش جلو نمی‌رود و احساس می‌کند گیر کرده این آیات را بخواند. «قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَ لِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَ رَحْمَةً مِنَّا وَ كَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا»

فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَدَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا (۲۲)

فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَسِيًّا (۲۳)

ازین آیات معلوم می‌شود که بارداری و رنج و زحمت به دنیا آوردن فرزند یک مقام و کمال ویژه‌ای به زن می‌دهد که خداوند نخواست است حضرت مریم(س) از آن بی بهره بماند. چون می‌توانست بدون این مقدمات به او فرزندی را بدهد.

یک عده از آیه ۲۳ تعجب می‌کنند که مثلاً چرا حضرت مریم(س) آرزو می‌کنند که ای کاش نبودند.. ما نباید این آیات را در مختصات خودمان و به نسبت خودمان بخوانیم چون قطعاً دچار اشتباه می‌شویم. این جمله را کسی می‌گوید که بنده مقرب خداست و خودش هم به تقرب اطلاع دارد اما برای تقرب خودش شأن و جایگاهی نزد خدا قائل نیست. لذا وقتی کار بر او به نهایت سخت می‌شود نگاه به مقام عبودیتی خودشان نکردند که مثلاً من که عمری عبودیت خدا را کرده‌ام چرا باید این وضع برایم پیش بیاید. بلکه تنها این جمله را از شدت سختی کار به زبان آوردند. بعضی اوقات مثل آدم‌های عادی حرف زدن برای شخصیتی مثل حضرت مریم(س) کرامت است. در واقع این یک نوع بیان استغاثه است و این احساس استغاثه خیلی عجیب است. او آگاه‌ها این استغاثه را به نهایت درجه خود رساندند. لذا این جمله ایشان برای خدا خیلی مهم است که آن را قرآن ذکر می‌کند. شدت سختی ایجاد شده برای ایشان هم اینطور که از آیات بر می‌آید به خاطر درد به دنیا آوردن فرزند نبوده است.. بلکه این موضوع که کسی که در نهایت درجه صدق و طهارت است با فرزندی به میان قومی بیاید که لجوج و منکر هستند این استغاثه را ایجاد می‌کند. در روایات هم اینگونه آمده که پس تولد حضرت عیسی(ع)، این دو بزرگوار از جانب مردم مدام در اذیت و آزار بودند.

در واقع این حضرات بشری بودند مانند دیگر انسان‌ها و ابتلائاتی که برای دیگران پیرخ می‌دهد برای اینان هم اتفاق می‌افتد و آن‌ها را هم اذیت می‌کند. چون این بزرگواران به هر حال یک شان بشری داشتند و یک شان وحیانی.

در بحث ثقیفه و مناظراتی که بین حضرت زهرا(س) و خلفا صورت گرفت این موضوع مطرح شد که سوال کردند اگر دختر پیامبر عمل خلافی از او سر بزند آیا شما قبول می‌کنید؟ گفتند بله و او باید برای رفع اتهام از خود شاهد بیاورد!

این معلوم است که آنها سوره مریم(س) را نخوانده‌اند که برای دختر پیامبر هم دو شاهد عادل می‌خواهند....

در زمان امام حسین(ع) هم یکی از اتفاقاتی که افتاد این بود که کوفیان حکم را شریح قاضی را گرفتند مبنی بر اینکه امام(ع) خارجی است! در حالیکه این ها همه انحراف است.. از معصوم کسی دلیل و شاهد و.. نباید بخواهد.

بطور کلی اگر در این جریانات برای ما ابهاماتی وجود دارد که مثلا چرا حضرت زکریا(ع) آیه خداست و یا چرا برای فرزندان شدن مریم(س) بر او ملکی ظاهر شد و.. باید بدانیم که آیات سطوح معنایی شان به نسبت افراد فرق می کند فلذا در این آیات حظ مخصوصی برای مخلصین وجود دارد که برای ما در دسترس نیست. ما آیات را می-فهمیم اما اینکه توقع داشته باشیم بتوانیم تمامی آیات را تحلیل کنیم و به نتیجه برسانیم اساسا اشتباه است.

همچنین انبیاء را نمی توان با هم مقایسه کرد زیرا این مقایسه قواعد خاص خودش دارد. اما یک قاعده کلی این است که توصیفات انبیاء و اولیا در قرآن همگی، وصفی برای اهل بیت(ع) هستند. یعنی این ها هر یک شانی از شوون حضرات معصومین(ع) را بیان می کنند. و البته این اصلا به این معنا نیست که از بزرگی و مقام ویژه این بزرگواران چیزی کم کند.(چون مقایسه به این نحو بین انبیاء اشتباه است)

**حرف آخر:** ما در زندگی مان یکسری دارایی هایی داریم که باید برای ما زنده شود. حضرت یحیی(ع) ، مریم(س) و عیسی(ع) جز دارایی های ما هستند که ما فراموششان کرده ایم. و این باعث می شود که از آن استفاده نمی کنیم و در نتیجه از آن محروم مانده ایم. اگر کسی فکر کند حضرت مریم(س) جز دارایی های اوست دارد می بیند که عجب مادری خدا به داده..مادری طاهره، مطهره، صدیقه و...

حضرت مریم(س) باید مایه مناجات ما بشود. اگر مشکل و مسئله ای برایمان پیش آمد بدانیم که ما این بزرگواران را داریم که به ما را کمک کنند. ما می توانیم بیش از پیروان آنها از آنها بهره ببریم.

اینان معلمان توحید هستند. ما باید بیش از همه این حضرات را برای درس توحید احضار کنیم.

این را تا هفته آینده تمرین کنیم. ان شاء..خدا ما را از محرومیت نجات بدهد.

اگر از این بزرگواران کمک بخواهیم بنحو واضحی به ما کمک می کنند و طریق را بر ما واضح می کنند.

**تعمیل در فرج امام زمان(عج) صلوات**